سرشته از عشق ایران، میرزاده‌ی عشقی

تحلیل مختصات شعر میرزاده‌ی عشقی

www.ketab.ir

دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی

استادیار دانشگاه پیام نور

واشقانی‌فراهانی، ابراهیم، ۱۳۵۳ ـ

سرشته از عشق ایران، میرزاده‌ی عشقی (تحلیل مختصات شعر میرزاده‌ی عشقی) / مؤلف: دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی. ـ همدان: فراگیر هگمتانه،۱۳۹۲.
۲۶۶ ص.

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۹-۰۵۸-۱

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
۱. فارسی ـ آموزش برنامه‌ای. ۲. شعر. (عالی).
الف. عنوان

نام کتاب:	**سرشته از عشق ایران، میرزاده‌ی عشقی** *(تحلیل مختصات شعر میرزاده‌ی عشقی)*
مؤلف:	**دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی**
ناشر:	فراگیر هگمتانه
چاپ:	سینا
تیراژ:	۱۰۰۰
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۲
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۲۱۹-۰۵۸-۱
قیمت:	۷۰۰۰ تومان

پایگاه اطلاع رسانی: www.faragirhegmataneh.com

پست الکترونیک: faragirhegmataneh@gmail.com

مرکز پخش: همدان، خیابان شریعتی، مقابل کبابیان، کوچه مهر

تلفن: ۲۵۱۴۴۶۱ ـ ۲۵۱۶۱۴۴ ـ ۲۵۲۸۴۶۲ ـ ۰۸۱۱ دورنگار: ۲۵۱۷۲۵۲ ـ ۰۸۱۱

www.ketab.ir

پیشگفتار:

میرزاده‌ی عشقی، هم به گواهی آثار پیشروش و هم آن‌گونه که در آثار برخی منتقدان و مورخان ادبیات، داوری شده‌است، پیشوای مسلم شعر نو فارسی است، پیشوایی که جایگاهش به دیگران و عنوانش به دیگری سپرده شده است.

آن گونه که برخی منتقدان انصاف داده‌اند، متأسفانه درباره‌ی عشقی و آثارش، هیچ رهنمود بسنده‌ای در دست نیست و آن مقدار که هست، در ذیل عناوین و موضوعاتی دیگر و کلی‌تر است که عشقی در آن میانه تنها جزئی فرعی انگاشته شده‌است و اغلب داوری درباره‌ی وی آمیزه‌ای بوده از کلی‌گویی، مکررگویی، تلخیص غلط‌آمیز آرای یکی دو منتقد پیشین و مشابهی با موضوع نه بر اساس متن موضوع بلکه با الزامات ناشی از پیش‌فرض‌ها و باورهایی از پیش شکل‌گرفته برای اثبات اینکه موجد شعر نو فارسی، نیماست و نه هیچ کس دیگر و هیچ کس دیگری، از جمله میرزاده‌ی عشقی، تلاش‌هایی شکست‌خورده کرده‌اند و نخست بار این است که با درک نبوغ‌آمیز خویش، جوهره‌ی تازگی را اکتشاف کرده و در شعر فارسی به کار انداخته است.

بی‌کلاه ماندن سر کسی که باید تاج پیشوایی شعر نو فارسی بر تارک او جای می‌گرفت، علل و اسباب متعدد دارد؛ برخی از علل به نحوه‌ی زندگی و شیوه‌ی شخصیت عشقی برمی‌گردد، برخی به اوضاع زمانه‌ی وی و زمانه‌ی پس از او و برخی نیز به سنتی نادرست در داوری که به جای رویت و قرائت اصل متن، به تکرار برخی سنت شده و تکرار و تلخیص یک رأیِ شهرت‌یافته می‌پردازد.

از بهار زندگی عشقی، تنها سی و یک غنچه شکفت و این مدت کوتاه نیز مصادف با یکی از متلاطم‌ترین اعصار تاریخ ایران بود که اصل ایران و و موجودیتش در برابر تندباد نابودی افتاده بود. عشقی که یک‌پارچه سرشته از عشق ایران بود، آوارگی و زندان و زندگانی در اضطراب و تهدید و فقر و پریشانی را پذیرفت تا از عشق بزرگش

www.ketab.ir

ایران دفاع کند. وی در کم‌ترین سن لازم برای ظهور یک نابغه، مبدل به نابغه‌ای شد که به گواهی متن آثارش، به‌خلاف دیگرچهره‌های عصر تجدد ادبی ایران، جوهره‌ی نوگرایی را به‌درستی کشف کرده بود و با پیروزی کامل در آثارش به کار گرفته بود، جوهره‌ای که نیما دو دهه بعد به درک کاملی از آن دست یافت. اما زندگانی کوتاه عشقی و آواره زیستنش و تلاطم‌های روزگارش مجال آن را نداد که به ترویج و تثبیت نظریِ یافته‌های درخشان و نبوغ‌آمیزش بپردازد و نمونه‌های عملی بیش‌تر و بهتری برای یافته‌های نظریش بسراید و جوهره‌ی شعر نو را که اکتشاف این کاشف فروتن بود، به نام خود تثبیت کند. حال‌آنکه این همه برای نیما میسّر بود و با آنکه وی دو دهه بعدتر از عشقی با سرایش *ققنوس*، نخستین اثر کاملاً نو، شعر نو را ارائه کرد، قرعه‌ی پیشوایی شعر نو فارسی به نام او خورد، زیرا زندگانی طولانی و آرامش روزگار شکفتگی نیما به وی مجال داد که نظریاتش را ترویج و به نام خود تثبیت کند و نمونه‌های بیش‌تر و بهتری بسراید و در جامعه‌ی ادبی ایران یار بگیرد و نام بگیرد، حال آنکه عشقی با همه‌ی تنها زیست و بی یار و مظلومانه کشته شد.

اما این یک سر ماجراست و سر دیگر، بی‌حوصلگی برخی از منتقدان است برای رویت و قرائت اصل متنی که می‌خواهند درباره‌اش داوری کنند. آنان جرم به تلخیص غلط‌آمیز و تکرار و ترویج آرای یکی دو منتقدی می‌پردازند که با همه‌ی نادرستی و نابسندگی آرایشان، دست کم این مزیت را داشته‌اند که خود به اصل متن رجوع کرده‌اند و بر اساس استنباط خود داوری کرده‌اند. برخی از وجوه این داوری‌های خطا و گمراه شگفت درباره‌ی عشقی و جایگاه وی در نهضت تجدد ادبی ایران که در متن این پژوهش به شرح و بسط ذکر کرده‌ایم، عبارت است از:

۱) در آرای بسیاری از منتقدان، با خطایی در روش مواجهیم، بدین صورت که داوری درباره‌ی نهضت تجدد ادبی ایران، اغلب نه با همراه شدن گام به گام با زنجیره‌ی

www.ketab.ir

رخدادهای این نهضت، بلکه از نقطه‌ای پس از اتمام این نهضت انجام می‌گیرد؛ منتقد، در نقطه‌ای پس از اتمام نهضت تجدد ادبی یعنی پس از ظهور نیما می‌ایستد و حال که مطابق یک باور عام و کلیشه شده، نیما و شعر نیمایی به‌سان نخستین شکل کامل شعر نو فارسی شهرت یافته است، هرچه را که شبیه شعر نیمایی نباشد، تجربه‌ای نابسنده و شکست‌خورده ارزیابی می‌کند، حال آنکه شعر نیمایی تنها نمونه‌ی ممکن نوگرایی شعر پارسی نیست تا با ایستادن همه‌ی آثار عصر تجدد با آثار نیما، درجه‌ی نوبودگی آن آثار سنجیده شود، و دیگر آنکه باید دید چه جوهره‌ای در شعر نیمایی هست که آن را شایسته‌ی عنوان شعر نو ساخته تا بر دیگر آثار با شعر نیما سنجیده می‌شود، با آن جوهره سنجیده شود نه با اعراض و عوارض شعر نیما. نیز با جداسازی جوهره‌ی نوگرایی در شعر نیما از دیگر اجزای شعر وی باید بررسی شود که آیا این جوهره، در هیچ‌یک از آثار پیش از نیما بروز کرده‌است یا نه؟ حقیقت این است که آن جوهره که شعر نیمایی را مبدل به شعر نو ساخته و در متن این پژوهش تشریح شده است، در دهه پیش از شعر نیمایی در آثار عشقی بروز کرده است و حتی این احتمال، قابل بررسی است که نیما این جوهره را از عشقی به وام گرفته و ترویج و به نام خود تثبیت کرده باشد.

۲) فقدان نظریه در داوری‌ها یکی دیگر از علل به خطا رفتن پیشینه‌ی منتقدان درباره‌ی عشقی و آثارش بوده‌است و مشکلی نیز که در شماره‌ی یک گفتگو، بدان اشاره شد از همین فقدان نظریه زاده شده است. در آرای منتقدان، بسیار به این داوری برمی‌خوریم که به طلیعه‌ی عصر تجدد ادبی، برخی شاعران به تغییر قالب دست زدند و شکست خوردند و اغلب هم عشقی را در ردیف نخست این شکست‌خوردگان جای داده‌اند، اما این‌گونه داوری‌ها مبتنی بر هیچ نظریه‌ی روشن و منضبطی درباره‌ی جوهره‌ی قالب‌های سنتی و قالب‌های نوی فارسی نیست و در نتیجه به‌داوری‌های سرسری، تکراری و خطامی‌انجامد. در این پژوهش – احتمالاً– برای نخستین بار به نظریه‌ای درباره‌ی جوهره‌ی قالب‌های سنتی و نو شعر

www.ketab.ir

فارسی دست یافته‌ایم. بر اساس این نظریه، جوهره‌ی قالب‌های سنتی، اصل پیش‌ساختگی و تکرار یک الگوی ثابت است که موجب انفکاک پیشرفت صورت شعر از تغییرات محتوا می‌شود و در مقابل، جوهره‌ی قالب‌های نو، نقض اصل پیش‌ساختگی و ثبات است که به ایجاد یک بافت درهم تنیده و متشکل‌الاجزا از صورت و محتوا می‌انجامد. این نظریه، اکنون که مطرح می‌شود، شاید بسیار ساده جلوه کند- آن سان که یک معمای حل‌شده- اما همه نظریه‌ی ساده هیچ‌گاه در آرای منتقدانی که درباره‌ی شکست‌خوردگی عشقی و علل آن داوری کرده‌اند، ارائه نشده یا شکلی کامل و منضبط ندارد. با ملاک قرار دادن این نظریه در می‌یابیم که *افسانه*‌ی نیما به خلاف مشهور و به رغم تفاوت صورتش با آثار کلاسیک، به لحاظ محتوا هیچ ویژگی- هیچ ویژگی- تازه و نویی ندارد و کسانی که در ذیل ذکر وجوه تازگی این منظومه، به صورت تازه‌ی آن اشاره می‌کنند و در مقابل، عشقی را در ردیف نخست شکست‌خوردگان آفرینش قالب نو ذکر می‌کنند، دچار خطایی بسیار ابتدایی شده‌اند. حقیقت آن است که بر خلاف نظریه‌ای که درباره‌ی جوهره‌ی قالب‌های سنتی و نو شعر فارسی ذکر کردیم، قالب *افسانه*، تنها افزودن قالبی دیگر بر خزانه‌ی قالب‌های سنتی است و نیما دو دهه‌ی بعد، با آفرینش *ققنوس*، جوهره‌ی تازگی صوری دست یافته است، حال آنکه عشقی، دو دهه پیش‌تر از *ققنوس*، با آفرینش منظومه‌هایی چون *کفن سیاه* و *برگ بادبرده*، به جوهره‌ی تازگی صوری دست یافته است.

۳) نه تنها در مقایسه‌ی میان نیما و عشقی، به جای داوری بر اساس قرار گرفتن اصل مکرر مضمون، با تکرار باورهای عام و کلیشه‌ای مواجه هستیم، در مقایسه‌ی میان آثار عشقی نیز همین وضع مشاهده می‌شود و درحالی که شعر *ایده‌آل* عشقی به لحاظ طرز بیان، تکرار *کفن سیاه* است و به لحاظ صورت، یک گام عقب‌تر از *کفن سیاه* است، اغلب *ایده‌آل* عشقی به عنوان نمونه‌ی تازگی در شعر عشقی ذکر می‌شود و آنچه در این منظومه نیست یا پیشاپیش در *کفن سیاه* و در دیگر آثار عشقی هست، به *ایده‌آل* منسوب می‌شود. این نیز، ناشی از تکرار

www.ketab.ir

باورهای کلیشه شده، بدون قرائت اصل متون است و انگاشتن *ایده‌آل* به سان نمونه‌ی کامل تازگی در شعر عشقی، نتایج نامناسبی را در پی خود می‌آورد از جمله اینکه در مقایسه‌ی میان عشقی و دیگران، *ایده‌آل* مبنای مقایسه می‌شود و نتایجی که باید، از این مقایسه برنمی‌آید.

عدم فقدان نظریه، تنها در بعد صوری، مشکل‌ساز داوری‌ها نشده است. عشقی، به نحوی آگاهانه و فعال، منضبط و آشکار، نظریه‌ای را درباره‌ی جوهره‌ی تازگی شعر مطرح کرده و در مقدمه‌ی دو منظومه‌ی *ایده‌آل* و *نوروزی‌نامه*، رئوس این نظریه را برشمرده‌است. اما همین امروز نیز با گذشت نزدیک به یک قرن از زمانی که عشقی نظریه‌ی شعر نوآش را مطرح می‌کند، باز می‌بینیم که داوری درباره‌ی شعر نو و ماهیت آن، بدون نظریه انجام می‌گیرد و لاجرم به خطا می‌انجامد. عشقی طی نظریه‌ای که درظرف زمانی و مکانی زندگانی وی، فوق‌العاده مدرن و نبوغ‌آمیز به نظر می‌رسد، جوهره‌ی شعر نو را طرز بیان نو معرفی می‌کند و ریشه‌ی طرز بیان نو را در ذهنیت نو می‌داند. این نظریه‌ی ظاهراً ساده، تمام جوهره‌ی شعر نو را در خود دارد و علل شکست تجارب دیگر رقبای تجدد را نیز تبیین می‌کند و جای افسوس است که در ارزیابی شعر عشقی نه در بعد نظری به این نظریه اعتنایی شده است و نه در بعد سرایش، دقت شده است که عشقی نخستین کسی است که جوهره‌ی تازگی را در آثارش به کار انداخته و نیما، با تأخیر نسبت به عشقی- و به احتمال زیاد متأثر از عشقی- به این جوهره روی می‌آورد و اگر در *افسانه‌ی* نیما نوعی از تازگی هست، از همین نظریه است وگرنه سطح صوری *افسانه* فاقد هرگونه تازگی است. به نظر عشقی، مبدأ سرایش، ذهنیت شاعر است؛ شاعر هنگامی که با ذهنیت نو به جهان می‌نگرد، جهان را به طرزی نو ادراک می‌کند و از آن‌جا که ادراک و اندیشه، بیانی ذهنی و خاموش است و همان به کارگیری زبان در درون ذهن است، ادراک نوین، موجب طرز بیان نوین و زبان نو می‌شود و این همان شعر نو است. در طرف مقابل، دیگر چهره‌های عصر تجدد،

www.ketab.ir

چون با ذهنیتی کهنه به جهان می‌نگریستند، حتی موضوعات نوی از قبیل هواپیما و راه‌آهن را نیز به طرزی کهنه ادراک می‌کردند و به طرزی کهنه، شبیه عقاب و اسب بیان می‌کردند. عشقی با این نظریه، جوهره‌ی شعر نو را طرز بیان نو می‌داند- نه قالب نو- و درحالی که هم به وضوح و آشکارگی این نظریه را معرفی می‌کند و هم در آثارش از قبیل *کفن سیاه*، *نوروزی ایه*، *ایده‌آل* و *برگ باد برده*، به کارش می‌اندازد، برخی منتقدان، تنها تازگی شعر وی را در تلاش برای پس و پیش کردن قافیه و خلق قالب تازه انگاشته‌اند و چون از منظری پس از بروز قالب‌های نیمایی این رخداد می‌نگرند و پس و پیش کردن‌های قافیه در شعر عشقی را نیز شبیه قالب نیمایی نمی‌یابند، عشقی را متهم ردیف نخست شکست در نهضت تجدد معرفی می‌کنند و دایره‌ی کار وی را هم تنها همین پس و پیش کردن‌های شکست‌خورده‌ی قافیه می‌انگارند.

در پژوهشی که پیش روی شماست نخستین بار به طور جزئی‌نگر و با ذکر نمونه‌های انبوه و بر اساس نظریه به آثار عشقی پرداخته شده است. در این پژوهش، اساس بر این است که جوهره‌ی شعر نو، طرز بیان نو است و دیگر تازگی‌های شعر به تبع این جوهره سامان می‌یابد. همچنین در سطح صوری شعر، نظریه‌ی پیش‌ساخته‌گی و ثبات مطرح شده و آثار عشقی و رقبای وی از جمله نیما بر اساس این نظریه داوری شده است. نگارنده مطابق سلیقه و شیوه‌ی سختگیرانه‌اش، علاقه‌ی شدیدی به ذکر انبوه نمونه‌ها و جزئیات دارد و به‌ویژه در بخش مختصات زبانی عشقی، این انبوهی نمونه‌ها بیش‌تر به رقم می‌آید. لذا خوانندگان، دعوت به صبوری می‌شوند، زیرا علمیت، جز از دریچه‌ی جزئیت ممکن نمی‌شود و نگارنده برای آنکه تکرارکننده‌ای مشابه دیگر تکرارکنندگان نباشد و به نتایجی علمی درباره‌ی مختصات شعر عشقی دست یابد، چاره‌ای جز ذکر انبوه جزئیات نداشته است.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

سراپا سرشته از عشق ایران، میرزاده‌ی عشقی ۱۶
عشقی کیست ۱۷
مقام عشقی در دل مردم ایران ۲۷
مرتبهی شاعری عشقی؛ آیا عشقی شاعری کم سواد و عوام بود؟ ۲۹
جایگاه عشقی در نهضت تجدد ادبی ۳۷
چرا تجربه‌ی تازه در طلیعهی عصر تجدد ادبی ۳۷
عشقی، پیشوای راستین شعر نو فارسی ۴۱
عشقی، نیما؟ ۴۳
تازگی طرز بیان، راز پیروزی عشقی در تازه‌سازی شعر ۴۷
عشقی، پیشوا و رهنمای قسم در ادبیات نوین پارسی ۵۱
تجارب عشقی برای خلع قالبهای ناکلاسیک ۵۲
طرز بیان(نحوه‌ی ادا)، هنر شعر ۶۲
تغییر در طرز بیان، جنبه‌ی انقلابی عشقی ۶۵
جزئی‌نگری و توصیف در شعر عشقی ۷۱
تصویرگرایی در شعر عشقی ۷۸
طنز در شعر عشقی ۹۳
تمثیل در شعر عشقی ۹۸
عصر مشروطه، طلیعه‌ی زبان تازه در شعر فارسی ۱۰۴
کنار نهادن شگردهای زبانی و انتقال فرایند سرایش به سطح زبان ۱۰۴
علل و وجوه تجدید نظر در هنجارهای زبانی شعر سنتی فارسی در عصر مشروطه ۱۰۶
خروج از قواعد، آشکارترین مختصه‌ی زبانی شعر عشقی ۱۱۰
حشو ۱۱۵
علل ساختاری بروز حشو در شعر عشقی ۱۱۶
ضعف تألیف ۱۱۸
ضعفهای دستوری ۱۱۹
تعقید ۱۲۲
کهن‌گرایی ۱۲۶
باستان‌گرایی ۱۲۷
جنس واژگان؛ واژگان تصویری و واژگان مفهومی ۱۲۹
واژگان فرنگی در شعر عشقی ۱۳۵
گفتارگرایی(واژگان، ترکیبات و جملات گفتاری) در شعر عشقی ۱۳۹
انحراف معنایی زبان ۱۴۳
ترکیبسازی ۱۴۴
آفرینش قالب‌های نو، یکی از مهم‌ترین تجربه‌های عشقی برای نوگرایی ۱۵۲
قالب چیست؟ ۱۵۲

www.ketab.ir

پنج الزام صوری در قالب‌های سنتی ۱۵۳
بررسی تغییرات و تازگی‌های صوری در مهم‌ترین سروده‌های عشقی ۱۵۶
کفن سیاه ۱۵۶
ایده‌آل یک نفر پیرمرد دهگانی در سه تابلو ۱۶۲
مظهر جمهوری ۱۷۱
توحهی جمهوری ۱۷۳
جمهورینامه ۱۷۶
رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مداین ۱۷۹
احتیاج ۱۸۵
روزگ ۱۸۷
بشنو و باور مکن ۱۸۹
سرگذشت تأثیر شاعر ۱۹۲
مرگ دختری ناکام ۱۹۴
نوروزی‌نامه در توصیف کار ادبی جمهور ۱۹۷
کلاه نمدیها ۲۰۶
تجلیل از فردوسی ۲۰۷
تصنیف جمهوری ۲۰۹
برگ باد برده ۲۱۰
جمع‌بندی تجربه‌های تازه‌ی عشقی در حوزه قالب ۲۱۲
مختصات قافیه در شعر عشقی ۲۲۳
قافیه؛ چیستی و اهمیت آن ۲۲۳
ساختار قافیه در شعر عشقی ۲۲۵
جایگاه قافیه در شعر عشقی ۲۲۹
توصیف وزن در شعر عشقی ۲۳۳
اهمیت وزن در پدید آمدن شعر ۲۳۳
چگونگی وزن در شعر سنتی فارسی ۲۳۴
تلاش برای یافتن وزن‌ها و دستگاه‌های وزنی تازه در عصر تجدد ادبی ۲۳۵
توصیف تازگی‌های وزن در شعر عشقی ۲۳۶
احتیاج و روزگار ۲۳۷
رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مداین ۲۳۸
ریشه‌ها و پیشینه‌های تازگی وزن در رستاخیز سلاطین ۲۴۲
تجلیل از فردوسی ۲۴۶
بنشو و باور مکن ۲۴۷
تصنیف جمهوری ۲۴۸
دو رویکرد موضوعی متفاوت در طلیعه عصر تجدد شعر پارسی ۲۵۰
جایگاه تازه‌سازی موضوعات در انقلاب ادبی عشقی ۲۵۳
موضوعات و مضامین شعر عشقی ۲۵۵

www.ketab.ir